فهرست

[اصول/ حجیت قول خبره 2](#_Toc154328116)

[پیشگفتار 2](#_Toc154328117)

[مقامات بحث قول لغوی 2](#_Toc154328118)

[مقام اول 3](#_Toc154328119)

[چگونگی نقل زبانی 3](#_Toc154328120)

[قول لغوی خبر است یا نظر؟ 4](#_Toc154328121)

# اصول/ حجیت قول لغوی

# پیشگفتار

بعد از بررسی مباحث مربوط به حجیت قول خبیر و کارشناس پرداختیم به بعضی از تطبیقات این موضوع و سؤال بود در مواردی محل تردید است که آن‌ها از مصادیق خبره است یا خبر است؟

اولین مورد از این تطبیقات عبارت بود از قول لغوی؛ عرض کردیم که قول لغوی از موضوعاتی است که از قدیم و از اعصار متقدم در اصول مطرح بوده است از آن صنف که در ادوار متأخر طرح شده باشد نیست، بلکه در ادوار متقدم بوده است احتمالاً در کتاب‌های اصولی مرحوم شیخ و امثال اینها بوده تا به علامه برسد و متأخرین. از این جهت است که مسئله هم دارای اهمیت است و هم دارای سابقه تاریخی ممتد است.

پس از آن به این نکته اشاره کردیم که ظاهراً طبق آن چه برآورد می‌شود و بر اساس قول لغوی متقدمین با متأخرین بعد از شیخ و آخوند تفاوت رویکرد دارند و ظاهر اقوال متقدمین بیشتر معطوف به حجیت بوده است در حالی که از زمان مرحوم شیخ در رسائل و بعد مرحوم آخوند در کفایه و در امتداد آن مرحوم نائینی و آقا ضیاء و امثال اینها و تا دوره امام و آقای خویی و دیگران، اکثریت قاطع پس از شیخ به سمت قول دوم وعدم حجیت تمایل پیدا کردند بر اساس دو سه نکته‌ای که عرض خواهیم کرد. این دو رویکرد متقدمین و متأخرین نسبت به حجیت در متقدمین وعدم حجیت در متأخرین نسبت به قول لغوی است.

البته در بین متأخرین کسانی به این یک دستی نافی قول لغوی نیستند و از جمله می‌شود به مرحوم شهید صدر اشاره کرد و ظاهراً آقای داماد گرایشی به سمت حجیت داشته‌اند و برخی دیگر هم هستند اما اغلب در متأخرین نفی حجیت است.

در این کتاب‌ها از رسائل و کفایه که حجیت قول لغوی عنوان خورده است و محل مراجعه هم مشخص است. این دو سه کتاب هم که الان نوشته‌ام مصباح الاصول آقای خویی در این مجموعه آثار جلد ۴۷ صفحه ۱۵۰ طرح کرده‌اند و مرحوم شهید صدر در بحوث جلد ۴ صفحه ۳۹۳ در منتقی جلد ۴ صفحه ۲۳۰.

در منتقی ایشان با مرحوم آخوند تقریباً هماهنگی دارد در نفی، الا اینکه یک استثناء و تبصره‌ای دارد می‌گوید در جایی حس کنیم که لغت‌شناس و لغوی معانی را حصر کرده است این برای تشخیص ظهور کمک می‌کند و آقای صدر هم این را آورده است

یک تبصره‌هایی گاهی افراد به این مسئله دارند در متأخرین مثلاً آقای سبحانی خیلی پر و پا قرص می‌گویند قول لغوی حجت است ولی خیلی سریع می‌گذرند. یک جمله‌ای ایشان آنجا دارند که می‌گویند همه کسانی که در اصول حجیت قول لغوی را نفی کرده‌اند در فقه به نظرشان عمل نکرده‌اند، در فقه معلوم است دنبال این است که لغت‌شناس و لغوی چه می‌گوید و بر اساس آن ترتیب اثر می‌دهد.

# مقامات بحث قول لغوی

در اینجا چند مقام از بحث است

## مقام اول

این است که لغت‌شناس خبیر است یا مخبر؟ مفاد قول او چیست؟ وضع است یا استعمال است یا ظهور است؟ اینها سه احتمال است که جدا بحث می‌کنیم.

یک احتمال این است که لغت‌شناس اوضاع را می‌گوید، موضوع لها اینهاست اصل این است،

یک احتمال این است که بگوییم استعمالات را می‌گوید، بگوییم این‌جور استعمال شده است

احتمال سوم این است که بگوییم ظهورات را می‌گوید، ظاهر این است

کدام احتمال است را بعد بحث می‌کنیم. این بحث با بحث بعدی خیلی به هم تنیده است ولی مجبوریم تفکیک کنیم.

بحث و مقام اول این است که لغت‌شناس خبیر است یا مخبر؟ این در خیلی جاها محل تردید است در همان‌جا در مقومین و قیمت گذاران املاک و اجناس این بحث در فقه مطرح شده است که مقوم و قیمت گذار مخبر از بازار است یا اینکه خبیر است، به عبارت دیگر صرفاً عن حسٍ آن واقعیت بازار را گزارش می‌کند که دلار این قدر است یا آن کالا این قدر است فقط واقعیت بازار را حکایت می‌کند و نظر و رأیی اعمال نمی‌کند، این خبر می‌شود

یا اینکه دست آوردن قیمت لا اقل در بعضی موارد نیازمند به اعمال نظر و رأی و حدس و گمان و سنجیدن و ارزیابی است که آن وقت کارشناس می‌شود و احکام کارشناس بر آن مترتب می‌شود چون خبر حسی در موضوعات یک احکامی دارد و خبر خبیر هم احکام دیگری دارد و در مواردی از هم جدا می‌شود پس اهمیت دارد که بگوییم این شخصی که قیمت را بیان می‌کند اعلام و اخبار عن حسٍ انجام می‌دهد؟ یا اینکه خبری می‌دهد که با اعمال رأی و نظر و حدس و ارزیابی است؟

از این مهم‌تر تنزیل کرد به اقوال رجالیین، این را بعد بحث خواهیم کرد فعلاً اشاره می‌کنیم و یکی از تطبیقاتی که بحث خواهیم کرد اقوال رجالی‌هاست، این آقایان رجالی که می‌گویند ثقة یا ضعیف و کذا و کذا، مرحوم شیخ در فهرست و رجال یا مرحوم نجاشی و کشی و امثال اینها داوری‌هایی که راجع به وثاقت یا ضعف افراد و روات می‌کنند داوری عن حسٍ است یا اینها کارشناس هستند و به عنوان کارشناس می‌گوید این ثقه است و آن ضعیف است این از مباحث مهم است در رجال است که در ادامه قول لغوی این را بحث خواهیم کرد. چون بحث مهمی است.

در هر صورت اینجا این بحث است که در کتاب العین، در صحاح، مقاییس، لسان العرب، تاج العروس و کذا و کذا کتب مهم لغوی اینها نظریه می‌دهند یعنی روی استعمالات و کاربردها و قرائن و شواهد کار کرده‌اند و بر اساس یک نظر کارشناسی می‌گویند معنای غنا این است، معنای فایده این است، معنای کذا این است، معنای وطن این است، این نظر کارشناسی است؟ یا اینکه اینها نقال هستند که در بعضی موارد هم هست. یک واقعیت‌های محسوس زبانی را نقل می‌کنند؟

## چگونگی نقل زبانی

نقل زبانی چند جور است، نقل عن حسٍ چند جور است

۱- عن حسٍ مستقیم و مباشر متکلمان اصلی با آن لغت است که می‌رود در بازار و در آن قبیله و عشیره می‌بیند این کلمات: «سعید» را «صعید» را یا «ماء» را یا «وطن» را یا هر چه از واژگانی که در آیات و روایات آمده است آن‌ها در این معانی به کار می‌برند، این نقل مباشر است، از خود متکلمان به لغت به شکل مباشر.

۲- این است که از آن‌ها نقل نمی‌کند از آثار و نوشته‌ها نقل می‌کند، نوشته‌ها را دیده است با قرائنی فهمیده است که این‌جوری استفاده می‌کنند بنابراین می‌گوید که آن‌ها این لفظ را به این معنا به کار می‌برند.

اینها قریب الی الحس است، وقتی می‌گوییم آقای پنج تنیان این کلمات را به این معنا به کار برد، این درست است که چشم دیده نمی‌شود، بخشی از آن اصوات است که با گوش شنیده می‌شود وقتی او در این معنا به کار برد این با یک شواهدی است ولی شواهدی است که قریب به حس تلقی می‌شود و الا حس به معنای مباشر مستقیم دقیق اصلاً تقریباً نمی‌شود برای دیگری گفت.

بنابراین دو نظریه است مثل مرحوم آخوند و مرحوم نائینی و کثیری از آقایان گفته‌اند اقوال لغوی، اقوال خبری است، اخبار عن حس او قریب الی الحس است هیچ خلیطی از نظر و اعمال رأی در اینجا وجود ندارد آن اندازه از اعمال نظر و رأی که در اینجا خلیط است در همان اندازه قریب الی الحس است، بیش از آن نیست.

این چیزی است که تقریباً از شیخ شروع شد و دیگران هم که در کلمات ملاحظه می‌کنید

اینجا در صفحه ۱۵۳ مصباح الاصول آقای خویی می‌فرمایند که: و فیه أوّلًا: أنّ الرجوع إلی أهل الخبرة إنّما هو فی الامور الحدسیة التی تحتاج إلی إعمال النظر و الرأی، رجوع به خبره در اموری است که اعمال نظر و رأی می‌خواهد، لا فی الامور الحسّیة التی لا دخل للنظر و الرأی فیها و تعیین معانی الألفاظ من قبیل الامور الحسّیة این که او این لفظ را در این معنا به کار می‌برد یک امر حسی است که البته دقیق آن قریب الی الحس است لأنّ اللغوی ینقل‌ها علی ما وجده فی الاستعمالات و المحاورات لغوی در استعمالات و محاورات یا در خود قبیله رفته است و دیده است و یا در نوشته‌ها دیده است آن را نگاه می‌کند می‌بینید این را در این معانی به کار برده‌اند این را برای نسل بعدی نقل می‌کند و لیس له إعمال النظر و الرأی فیها، فیکون إخبار اللغوی عن معانی الألفاظ داخلًا فی الشهادة المعتبرة فیها العدالة بل التعدد فی مورد القضاء و أمّا فی غیره ففی اعتباره خلاف مذکور فی محلّه خود ایشان تعدد عدالت را شرط نمی‌داند، در اخبار از موضوعات.

این چیزی نیست که مربوط به آقای خویی باشد از رسائل و کفایه و نائینی، استاد ایشان همه این مسئله را دارند یکی از پاسخ‌ها این است که می‌گویند این نظر لغوی اصلاً نظر کارشناسی نیست این مخبر است مثل اینکه کسی می‌گوید باران می‌آید، زید قائم است یا درجه هوا این اندازه است اینها همه امور حسی است و قریب الی الحس است و باب آن باب مخبر نیست و البته اگر این بشود از یک جهت خوب است و از یک جهت هم متوقف بر این است که بگوییم صرف استعمال را می‌گوید یا بالاتر از استعمال را می‌گوید آن برای مرحله بعد است.

## قول لغوی خبر است یا نظر؟

فعلاً ما می‌خواهیم گام اول را تعیین تکلیف کنیم که خبر است یا نظر است؟ این نظر تقریباً جاافتاده کثیری از اعاظم است که قول لغوی جز نقل از محاورات و استعمالات متکلمان به یک لغت و گویشگران به یک لغت نیست و با آن معامله اخبار حسی می‌شود.

حالا مخبَر عنه آن چیست؟ آن هم مهم است که بعد بحث خواهیم کرد.

اما در نقطه مقابل کسانی می‌گویند از جمله ظاهر کلمات مرحوم شهید صدر این است که نه لغت‌شناس که لغتی را معنا می‌کند و معنا را برای ما نقل می‌کند گرچه دستمایه اولیه کار او، مراجعه به محاورات و استعمالات است این پایه کار است همان‌طور که همه کارشناس‌ها، پایه کارشان از مشاهده و رؤیت و دیدن یک واقعیتی آغاز می‌شود ولی این طور نیست که این یک گزارشگر محضی باشد، آینه‌ای باشد که آنچه آنجا دیده است را نقل می‌کند، این نکته را دقت بکنید این گزارشگر می‌خواهد تحدید معنا بکند، نسبت این را گاهی با چیزهای دیگر بسنجد حالا در همه جا این نسبت‌سنجی نیست ولی وجود دارد که گاهی با دقت هم می‌آید و گاهی باز با دقت کافی در کتاب لغت نیست، ولی مقام و شأن لغت‌شناس و لغوی آن است که بر پایه شنیده‌ها و احساسی که از محاورات داشته است تأملی می‌کند و مداقه‌ای می‌کند و لغت‌ها را با هم می‌سنجد و بعد در معنا تحدیدی انجام می‌دهد این احاطه کار هر کسی نیست.

شما لغت‌شناس را مثل یک گزارشگر تخصصی که گزارشگری خود را روی حوزه خاص برده است می‌بینید یا اینکه این واقعاً یک قشر متخصصی هستند؟ یعنی مثل طبیب و مهندس و یکی هم عالم لغت است.

این نقطه نظر مخالف است که قول لغوی، قول کارشناس است نه قول مخبر از محاورات و استعمالات گویشگران به این زبان باشد.

در میانه این دو موضوع به نظر می‌آید لازم است که قائل به تفصیل بشویم، هم تفصیل در یک لغت‌شناس و انظار او و هم تفصیل بین خود لغوی‌ها.

واقع مطلب آن است که نه آن به نحو مطلق و نه این به نحو مطلق، ما در مواردی که یک الفاظ واضحی است، پیچیدگی ندارد و محاوره و تکلم به آن زیاد است، اینجا وقتی لغت‌شناس می‌گوید «آب» به این معناست، این اعمال نظر و رأی را در آن نمی‌بیند بخصوص آن لغت‌شناسانی که عرب بوده‌اند و در جامعه عربی زندگی می‌کرده‌اند، اینها همان حس است.

بنابراین تفصیل در مسئله این است که قدر متیقن جاهایی خبر عن حسٍ است، آن جایی که لغت‌شناس یک عرب زبان قوم است، خلیل است، کتاب عین است و مأنوس در فضا بوده است برای آن فضای گویشگری برای آن زبان. بعد لغت هم در لغات دم‌دستی و عادی که کثیراً ما تداول پیدا می‌کند، آن هم می‌گوید وقتی به قول او نگاه می‌کنیم می‌بینیم جمله واضحی هم آمده است. معنا هم کثیر تداول محسوس هم باشد این جاها ممکن است بگوییم عن حسٍ می‌گوید فی الجمله عن حسٍ را قبول داریم.

اما اینکه بگوییم همه جا عن حسٍ است، چنین نیست، حتماً در مواردی هم عن حسٍ نیست، یعنی او وقتی که یک واژه‌ای که در آن یک سؤال یا پیچیدگی وجود دارد، کثیر التداول و استعمال نیست، مفهوم آن در دسترس و محسوس هم نیست، بخصوص اگر علاوه بر این دو سه قید ببینیم خود او هم در تحدید با یک عبارت خیلی دقیقی تنظیم می‌کند، این البته قول خبیر می‌شود و اعمال نظر و کارشناسی شده است.

این که می‌گوییم لغت‌شناس هم یک متخصص است و لغوی بودن یک تخصص است، (لغت‌شناس هم نگوییم بهتر است چون چیزهای دیگر است که اشتقاق‌ها را بداند که آن حتماً کارشناسی است) لغوی به معنای کسی که معانی الفاظ را در کتابی جمع کرده است و نوشته است.

این که می‌گوییم تخصص است به معنای آن نیست که هر آنچه می‌گوید یک امر تخصصی است، معنای آن این است که بخشی از مسائلی که آورده است با این شرایط و قیودی که گفتیم یک امر تخصصی است، او استعمالات را جمع کرده است و با واژه‌های دیگر مقایسه کرده است و با مترادفات و متشابهات و متقاربات به این مقایسه کرده است و گفته است معنای آن این است.

از این جهت است که به نظرم این تقابل و دو قطبی یک دست در برابر هم است که یکی بگوید اینها اصلاً حسی نیست و کار کارشناسی است و در نقطه مقابل اکثریت بفرمایند که این کاملاً امور حسی است که گزارش می‌کند و اصلاً کارشناسی نیست، هیچ کدام درست نیست.

یک جاهایی خبر عن حسٍ است و یک جاهایی هم خبر حدسی است، عین این را در رجال هم گفته‌ایم و بعد هم بحث خواهیم کرد. این یک شبهه رجالی است که اخبار اینها عن حسٍ است یا اجتهادی است؟ نجاشی و…

می‌گوییم نجاشی و شیخ یک جایی خبرشان عن حسٍ است، کجا؟ آنجا که آدم‌های مشهور جاافتاده‌ای مثل زراره باشد اما یک جاهایی آن دیگر عن حسٍ خالص نیست.

اینها هم امور حسیه را گزارش می‌کنند، یک جایی که وضوح بیشتری دارد، این‌ها قریب الی الحس است و یک جاهایی واقعاً در حد متعارف خود اعمال نظر کرده‌اند.

بنابراین علی الاصول نمی‌توان گفت همه حسی است یا همه حدسی است هر دو هست و اگر جایی تردید کنیم که اینجا عن حسٍ است یا عن حدسٍ است؟ باید اعمال قواعد شک و تردید کرد.

لازمه سخن ما چرخیدن بیشتر به سمت کارشناسی است ولی در عین حال مواردی را واقعاً می‌شود گفت خبر عن حسٍ می‌دهد.

این در یک لغوی در لغات مختلف ممکن است تفاوت باشد؛ بین لغت‌شناسان هم این مسئله هست، مثلاً آن‌ها که تحت تأثیر نزعه‌ها و میول اعتقادی و دینی بوده‌اند، آن‌ها بیشتر نظرشان کارشناسی است، اعمال نظر و رأی می‌کند مثل مجمع البحرین و خیلی از اینها که در لغت تحت تأثیر تمایلات سنی هستند، شیعه هستند، عقاید مختلف تأثیرگذار است در واژه‌ای که احتمال آن را بدهیم؛ نظر را نمی‌توان گفت عن حسٍ است، این عن حدسٍ است و دیدگاه را در لغت اعمال کرده است.

و لذا لغوی‌های متقدم، مثلاً در عین، عن حسٍ بودن در او خیلی قوی‌تر است تا یک کتاب‌هایی که در قرن‌های بعد نوشته شده است ما می‌خواهیم مفهوم لفظ را در زمان صدور آن بفهمیم و لذا متأخر در معرض اجتهاد هستند، آن‌ها که نزعه‌های کلامی و تاریخی مشخص دارند، تمایلات اعتقادی دارند و یک جوری آن را در لغت آورده‌اند آن‌ها نیز در معرض این است که این اجتهاد خود اوست.

و لذا احتمال اجتهادی بودن؛

اولاً در الفاظ کمتر استعمال شده بیشتر است.

و ثانیاً در الفاظی که مصادیق مجهول و پیچیده‌دارتر دارند بیشتر است

ثالثاً در کتب هر چه متأخرتر باشد این بیشتر است و هر چه جلوتر باشد کمتر است

و رابعاً در کتاب‌هایی که تحت تأثیر میول و تمایلات تاریخی و اعتقادی هستند احتمال خبرویت و کارشناسی در آن‌ها بیشتر است بر خلاف آن‌ها که از این نزعه‌ها و میول تهی هستند و آن را در نقل و لغت‌شناسی خود اعمال نکرده‌اند و کمتر است.

خامساً لغت‌هایی که مقارَن دارد نظائر و فروق اللغه و امثال اینها باز در معرض اجتهاد بیشتر است.

اینها می‌تواند به عنوان شاخص‌ها کمک بدهد که حسی است یا حدسی است. اینها شاخص‌هایی است که این مسئله را تعیین می‌کند، آن وقت جایی با این شاخص‌ها تشخیص دادیم و اطمینان پیدا کردیم خبر این عن حسٍ است معامله خبر عن حسٍ با آن می‌کنیم ولی اگر دیدیم با این شاخص‌ها به آن سمت است می‌گوییم خبر حدسی است و کارشناسی و نظر است.

لذا باید قائل به تفصیل شد و شاید آن سمت کارشناسی ترجیح بیشتری و مصادیق افزون‌تری داشته باشد.